

ارزش‌ها و امنیت اجتماعی

یوسف ترابی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

آیت گودرزی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

تحولات شتابان جوامع بشری در دهه‌های پایانی قرن بیستم زمینه ساز پیدایش گفتمان و رویکردی نوین نسبت به پدیده «امنیت» گردید و نگرش‌ها و انگاره‌های سنتی به امنیت که آن را پدیده‌ای منفک و مجرد از متغیرها و مؤلفه‌های اجتماعی قلمداد می‌نمود دستخوش زوال قرار گرفت.

در گفتمان جدید امنیت اجتماعی که قبلاً به مفهوم تأمین اجتماعی^(۱) تلقی می‌شد، به مفهوم جدید امنیت اجتماعی شده و یا امنیت جامعه‌گی^(۲) مورد توجه قرار گرفت. در این گفتمان جدید ارزش‌ها و نظام ارزشی جوامع که سلول‌های بنیادین منظومه هویتی جامعه هستند و هسته مرکزی امنیت اجتماعی را پدید می‌آورند مورد توجه جدی است. تحول و تغییر در ارزش‌ها زمینه ساز پیدایش بحران هویت و تغییر در هویت زمینه‌ساز آسیب‌پذیری امنیت اجتماعی می‌گردد. امنیتی که هستی و کیان اجتماع را به مخاطره می‌اندازد.

کلید واژه‌ها

امنیت (Security) / ارزش (Value) / امنیت اجتماعی (Societal security) / تأمین اجتماعی (Social security) / امنیت عمومی (Public security).

مقدمه

امنیت^(۱) از جمله پدیده‌های مهم و شایان توجهی است که از نیازها و ضرورت‌های اساسی و پایه‌ای فرد و جامعه به شمار می‌رود و فقدان آن و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد و تأمین و مراقبت از آن در فرآیند پایایی و پایداری امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی از مطلوبیت ویژه‌ای برخوردار است و در همین رابطه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند. یکی از انواع امنیت‌ها، امنیت اجتماعی^(۲) است که از جایگاه و موقعیت برجسته‌ای برخوردار بوده و تولید و تأمین آن و همچنین پایدار سازی آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های نسبتاً پیچیده‌ای بوده و آسیب پذیری و زوال آن نیز تحت تأثیر زمینه‌ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها نیز ضرورتی اساسی دارد. سئوالی که در اینجا مطرح است این می‌باشد که ارزش‌ها^(۳) به مثابه سلول‌های حیاتی تشکیل دهنده منظومه هویتی فرد و اجتماع که نقش قابل توجهی در انگیزش‌ها، هنجارها، کنش‌ها و رفتارهای کنشگران در عرصه اجتماع دارد چه رابطه‌ای با امنیت اجتماعی دارد؟ و آسیب پذیری و تغییر ارزش‌ها چه تأثیری بر امنیت اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه‌ای که در این پژوهش به دنبال طرح آن هستیم این است که ارزش‌ها و نظام‌های ارزشی یک جامعه به مثابه سلول‌های هویتی جامعه در تکوین، پایایی و پایداری امنیت اجتماعی نقش اساسی داشته و زوال و آسیب پذیری ارزش‌ها در فرآیند تغییرات امنیت اجتماعی و امنیت هستی شناختی، جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تبارشناسی ارزش‌ها

تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از زوایای مختلف توسط فلاسفه، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان نسبت به ارزش‌ها انجام پذیرفته است. «اما بیش از همه، اقتصاددانان و فیلسوفان اقتصادی به این مسئله پرداخته‌اند و ارزش از همان رشته نیز به دانش جامعه‌شناسی راه یافته است. ظاهراً اولین گام را در این زمینه «زیمل» با اثر خود درباره

1- Security

2- Societal security

3- Values

فلسفه پول آغاز نمود. او ارزش را در یک شکل و طبقه بندی جامع از تصویر یا ظاهر دنیا می‌بیند که ماهیت عمیق آن نه در واحد بودن و یک شکل بودن آن، بلکه در تفاوت آن، یعنی در درجه بندی براساس ارزش است.» (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷)

ارزش در فلسفه

پدیده ارزش‌ها در فلسفه در قالب ارزش‌شناسی مورد بررسی و کالبدشکافی قرار می‌گیرد و برخی از فلاسفه مسئولیت و وظیفه اصلی فیلسوف را مطالعه و کالبدشکافی ارزش‌ها قلمداد می‌کنند. افلاطون فیلسوف شهیر یونانی مبنای ارزش‌ها را در معرفت و علم به معنای دانستن، دانایی و شناسایی خیر می‌داند. (شریعتمداری، ۱۳۷۳، ص ۴۱۳) ارسطو شاگرد افلاطون، اساس ارزش را در رعایت اصل اعتدال و رعایت حدوسط تلقی می‌کند و می‌نویسد: «سعادت راستین در آن است که آدمی آسوده از هر گونه قید و بند با فضیلت زیست کند و فضیلت در میانه روی است.» (عنایت، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶) و کانت مبنای ارزش‌ها را در عمل ارادی معطوف به وظیفه قلمداد می‌کند. در نظر او ارزش‌ها امری مطلق است که در قالب وظیفه اخلاقی دارای سه معیار است، اول اینکه، رعایت آن توسط همگان موجه به نظر برسد، دوم اینکه، عمل به آن مستلزم وسیله قرار دادن انسان نشود و سوم اینکه، درونی باشد و از خارج تحمیل نگردد. در همین رابطه، «نیچه» فیلسوف آلمانی معتقد است که فلسفه چیزی جز ارزش آفرینی نیست و فیلسوف واقعی کسی است که فلسفه امور را با توجه به انسان نگرینسته و انسان تنها موجودی است که به ارزش توجه داشته و ارزش آفرین است. (دادبه، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱)

ارزش‌ها از دیدگاه روان‌شناسی

حوزه و عرصه مباحث مربوط به روان‌شناسی مشتمل بر سه ضلع اصلی، یعنی افکار، احساسات و اعمال (کردار) است. (تری یان‌دیس، ۱۳۷۸، ص ۲۴) از میان مکتب‌های عمده روان‌شناسی یعنی مکتب روانکاو، رفتارگرایی و انسان‌گرایی، مکتب انسان‌گرایی، عنایت و توجه بیشتری به مقوله ارزش‌ها داشته است. آبراهام مازلو از نظریه‌پردازان مکتب انسان‌گرایی معتقد است که ارزش‌ها دارای سلسله مراتب بوده و انسان‌ها بر مبنای ادراک خود از این سلسله مراتب که سلسله مراتب نیازها می‌باشد به دنبال کسب و تحصیل آن می‌باشند.

والا ترین آرزوهای انسانی مانند کمال جویی، خودشکوفایی، سلامت و هویت، خودمختاری و تعالی است و ارضای هر یک از نیازهای عاطفی، شناختی، بیانی و زیبایی شناختی انسان، یک ارزش تلقی می‌شود. سلسله مراتب نیازهای اساسی انسان که مبنای ارزش‌ها تلقی می‌شود عبارتند از:

- ۱- نیازهای فیزیولوژیکی (نیاز به آب، هوا، غذا و...);
 - ۲- نیازهای مربوط به ایمنی (نیاز به احساس امنیت، عدم نگرانی و برخورداری از محیط امن);
 - ۳- نیازهای مربوط به عشق و محبت (برخورداری از روابط محبت آمیز و نیک نیازی);
 - ۴- نیازهای مربوط به عزت نفس (کسب اعتماد به نفس و مورد تأثیر دیگران بودن);
 - ۵- نیازهای مربوط به خودشکوفایی (نیاز به تحقق استعدادها). (سیف، ۱۳۷۳، ص ۳۴۲)
- «مورای»^(۱) ارزش‌ها را به همراه نیروهای عاطفی از عوامل مهم محرک شخصیت انسان تلقی نموده و منظور از ارزش‌ها را قدر و قیمت یا قدرتی می‌داند که هر کس در امر خاصی تلقی می‌نماید که این تعریف مورای شباهت زیادی به تعریف حضرت علی(ع) از ارزش انسان دارد که می‌فرماید «قیمه کل امر مایحسنة: ارزش آدمی به چیزی است که آن را نیکو انجام می‌دهد.» از دیدگاه مازلو، ارزش‌ها به منزله نیاز تلقی شده و مبنایی بیولوژیک دارد و نیازهای بنیادین بیولوژیک انسان عبارت از مواردی است که ارگانیسم انسانی و سیستم انتخاب‌های انسان تعیین می‌کند که در اثر مرور زمان از ارزش‌های زیستی به ارزش‌های اجتماعی تغییر شکل می‌یابند. برخی از متفکران ارزش را به منزله انگیزش^(۲) قلمداد و انگیزه نیل به موفقیت را به مثابه ارزش تعبیر می‌کنند. فدر (۱۹۹۷) معتقد است که تصور ما از ارزش‌ها در واقع گروهی از انگیزه هاست. (خلیفه، ۱۳۷۸، ص ۵۳) برخی دیگر از متفکران ارزش را به منزله میل^(۳) تلقی کرده‌اند و پری^(۴) معتقد است ارزش شیء برابر است با میلی که آن را مورد توجه قرار می‌دهد. (منبع پیشین، ص ۵۵)

برخی دیگر ارزش را به منزله رفتار تلقی کرده‌اند. به عنوان مثال، چارلز موریس، (۱۹۵۶) ارزش‌ها را رفتار گزینشی و مطلوب دانسته و آدلر (۱۹۵۶) معتقد است ارزش‌ها، مفهومی هم ارز رفتار تلقی می‌شوند و نوع رفتاری که فرد انتخاب می‌کند و اینکه بر چه اساسی

1- Murray

2- Motive

3- Interdrent'

4- R.Perry

است؟ آیا عملی است و یا صرفاً یک لفظ است، معلوم و مشخص نمی‌باشد؛ بنابراین ارزش‌ها مفهومی تجربیدی‌تر از رفتار هستند. (منبع پیشین، ص ۶۸)

آنچه در این قسمت ضروری است مورد امعان نظر قرار گیرد این است که روان‌شناسان در سخن از ارزش‌ها، عمدتاً به ارزش‌های فردی تا ارزش‌های اجتماعی و گروهی عنایت دارند؛ در حالی که جامعه‌شناسان عمدتاً به ارزش‌های جمعی و گروهی توجه می‌کنند.

ارزش‌ها از دیدگاه انسان‌شناسی (۱)

انسان‌شناسی به عنوان مکتبی که جنبه‌های زندگی جسمانی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد (روح الامینی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۸) اهمیت خاصی برای پدیده ارزش‌ها قائل بوده و در همین رابطه اندیشه‌ها و ارزش‌ها، هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵۷)

خانم کلایدکلوکهن مردم‌شناس آمریکایی در رابطه با ارزش‌ها تعبیر شایان توجهی دارد و می‌نویسد: «ارزش یک تصور و درک^(۲) برای فرد یا یک گروه است. درباره مطلوبیت^(۳) که روی انتخاب روش‌ها، ابزارها و عمل تأثیر می‌گذارد، این فرآیند دارای سه بعد است:

۱- بعد احساسی^(۴) = مطلوبیت

۲- بعد شناختی^(۵) = ادراک

۳- بعد تصمیم‌گیری و اجرای خواسته^(۶) = انتخاب» (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸)

ارزش‌ها از دیدگاه جامعه‌شناختی

از آنجایی که محور اساسی مباحث جامعه‌شناسی «کنش اجتماعی» است، جامعه‌شناسان در مطالعه ارزش‌ها بر بعد اجتماعی بودن آن در کنار بعد فردی تأکید ویژه‌ای دارند و

1- Anthropology

2- Conception

3 - Desirable

4- Affection

5 - Cognitive

6- Conoative

از آنجایی که نظم اجتماعی^(۱) از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی و محصول کنش‌های متقابل است، اشارهٔ مختصری به آن می‌نماییم. نخستین مفهوم نظم اجتماعی، وجود کنترل در جامعه و یا مهار^(۲) آن است. ممانعت از هر گونه رفتار آنی و ناگهانی و یا دقیق‌تر، کنترل هر حرکت خشونت‌آمیز در زندگی اجتماعی است. دومین مفهوم آن، وجود کنش و واکنش‌های متقابل یا تأثیر متقابل در زندگی اجتماعی است که دلالت دارد: رفتار هر فرد نه تصادفی و نه اتفاقی است، بلکه در یکدیگر تأثیر متقابل داشته و مکمل همدیگرند. مفهوم سوم به عامل قابلیت پیش‌بینی در زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود: مردم تنها هنگامی وارد کنش اجتماعی می‌شوند که بدانند چه انتظاراتی از همدیگر دارند. اگر این انتظارات قرار است که برآورده شود، آنگاه باید تا حدی با همدیگر سازگار باشند. مفهوم چهارم که می‌تواند به مفهوم نظم اجتماعی الحاق شود، عبارت است از سازگاری و پنجمین مفهوم عبارت است از ثبات. (کوهن، ۱۳۸۱، ص ۲۲) در اینجا این نکته ظریف را اجمالاً مدنظر قرار می‌دهیم که ارزش‌ها، تولیدکننده نوعی نظم اجتماعی هستند که می‌تواند تحت شرایطی، پایایی و پایداری مناسبی نیز داشته باشد. «در تعریف جامعه‌شناختی، ارزش‌ها انواع گوناگون واقعیت‌ها و اموری هستند که احتیاجات انسان را برآورده می‌کنند.» (صالحی، ۱۳۵۴، ص ۴۵) به تعبیر دیگر و در واقع «ارزش‌ها واقعیت‌های مرجع انسان‌ها هستند که به طور معمول به هشت طبقه تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱- قدرت؛ ۲- دانش؛ ۳- ثروت؛ ۴- احترام؛ ۵- سلامت؛ ۶- مهارت؛ ۷- محبت؛ ۸- تقوی. به طور معمول افراد مختلف به دنبال ارضای خواسته‌ها و یا تأمین ارزش‌های مرجع خود بر می‌آیند. به عبارت دیگر، همه ارزش‌ها را نمی‌توان همزمان تحصیل کرد، البته بعضی از ارزش‌ها قابل تبدیل به یکدیگر هستند. (کاظمی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۱-۱۳۰) «پارسونز» پیرامون ارزش‌ها معتقد است که «عنصری از نظام نمادی مشترک که به عنوان یک شاخص یا معیار در انتخاب میان مشتق‌های تمایل که در یک موقعیت ذاتاً یافت می‌شوند به کار می‌روند، ارزش نامیده می‌شود.» به عبارت دیگر، تمام ارزش‌های موجود را می‌توان یک مرجع اجتماعی نامید (به نقل از محبوبی منش، ۱۳۸۰، ص ۶۱)، «چارلز جانسون» در همین رابطه می‌نویسد: «ارزش‌ها، الگوهای اجتماعی‌اند که درصد پذیرش آنها توسط گروهی از افراد، مبنایی را برای ایجاد انتظاراتی مشترک و معیاری را برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می‌کند.» (جانسون، ۱۳۶۳، ص ۲۸۱)

با توجه به تعاریف مذکور از ارزش‌ها، تعریف زیر شاید از گویایی و رسایی بیشتری برخوردار است که عبارت است از: انگاره‌ها، پنداشت‌ها، تصورها و ادراکات مشترک مورد پسند و مطلوب و یا نامطلوب و ناپسند (مثبت و منفی) که در میان گروهی از اجتماع و یا بخش‌های وسیعی از اجتماع در رفتارها و کنش‌های آنان در ابعاد مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند. منظومه ارزش‌های مورد باور و اعتقاد در یک جامعه در قالب نظام‌های مختلف ارزشی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی اهمیت داشته و هر اجتماعی و جامعه‌ای تحت تأثیر و نفوذ این خرده نظام‌های ارزشی قرار دارد.

امنیت اجتماعی

۱- تبارشناسی امنیت اجتماعی

مصدر امنیت از ریشه أمن، یامن اخذ شده است و مرحوم شیخ طبرسی (رحمت الله علیه) در تفسیر گرانسنگ و شریف مجمع البیان در ذیل آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه اعراف: أَفَأَمَّنَ أَهْلَ الْقَرْيَةِ أَنْ يُاتِيَهُمَ بَأْسُنَا وَ هُمْ نَائِمُونَ أَوْ أَمَّنَ أَهْلَ الْقَرْيَةِ أَنْ يُاتِيَهُمَ بَأْسُنَا ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ أَفَأَمَّنُوا مَكَرَ اللَّهِ فَلَا يُؤْمِنُونَ مَكَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ، می‌نویسد: و الامن و الثقة و الطمأنينة نظائر فی اللغة و ضد الامن الخوف، و ضد الثقة، الريبة و ضد الطمأنينة الانزاج، الامن هی الثقة بالسلامة من الخوف. امن و ثقة و طمأنینه در واژگان و لغت نظیر همدیگرند و امنیت در مقابل خوف و هراس است. شک و تردید در مقابل ثقة و اعتماد است و بی قراری و بی تابی در مقابل طمأنینه و قرار است و امن عبارت از اطمینان و اعتماد به فقدان خوف و هراس است.

امنیت از حیث عینی و ذهنی بودن به دو شکل ذهنی و عینی قابل تقسیم بندی است. امنیت ذهنی عبارت است از احساس آرامش، سکون قلبی و فراغت از ترس و هراس و اضطراب و امنیت عینی عبارت است از وضعیتی که ارزش‌های حیاتی در آن از هر گونه تهدید و تعرض مصون باشد. (واثقی، ۱۳۸۰، ص ۲۱) در قرآن کریم و ادبیات اسلامی، امنیت در ابعاد مختلف مورد عنایت قرار گرفته است. حضرت علی (علیه السلام) در روایتی حکیمانه و ژرف پیرامون امنیت می‌فرماید: «لأنعمة أهنأ من الامن: نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد.» در قرآن کریم امنیت در قالب کلی آن در دو بخش امنیت فردی و امنیت جمعی (امنیت جامعه) به شکل گویا و شفاف‌ی مطرح شده است.

۱- امنیت فردی:

«الذین امنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن» (سوره مبارکه انعام، ۸۱) «کسانی که ایمان آورده و ایمان خویش را به ظلم و ستم نیالودند، امنیت برای ایشان است.» در این آیه شریفه امنیت واقعی و پایدار، ویژه کسانی است که ایمان داشته و از ایمان خویش مراقبت و پاسداری می‌کنند و چنین کسانی هستند که طعم و گوارایی امنیت را درک می‌کنند. براساس این آیه شریفه، ایمان تولیدکننده امنیت پایدار است، مشروط بر اینکه مرزهای آن توسط ظلم و ستم مورد تعدی قرار نگیرد و گناه و جرایم ویران‌کننده و زوال بخش مرزهای امنیت پایدار هستند.

۲- امنیت جامعه و اجتماع:

«و ضرب الله مثلاً قریة کانت آمنة مطمئنة یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بالله، فاذا قها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا یصنعون.» (نحل آیه ۱۱۲) «خداوند مثالی می‌آورد از سرزمینی (جامعه‌ای) که دارای امنیت اطمینان بخش بود به نحوی که نعمت، ثروت و رفاه از هر سویی به آن جامعه جاری بود و لکن آن اجتماع و جامعه به نعمت‌های خداوند کفر ورزیدند، در نتیجه خداوند لباس گرسنگی (قحطی) و بیم و هراس (ناامنی) را به سبب کفران نعمت، به آنان پوشانید.» دقت در آیه شریفه بیانگر این نکته دقیق و قانون الهی است که ناسپاسی، کفران نعمت و انجام گناهان و اعمال ناپسند، موجبات زوال و تباهی رفاه، آسایش و برکات است و زمینه ساز استیلا و گسترش ناامنی و هراس در جامعه خواهد بود. بنابراین، دو عنصر ایمان و عمل صالح تولیدکننده امنیت پایدار و قابل اعتماد در ابعاد فردی و اجتماعی است و بی‌ایمانی و انجام گناه و کفران نعمت و ناسپاسی موجب تباهی، انحطاط و زوال امنیت خواهد بود. بررسی مقوله امنیت و امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن، موضوعی است که نیازمند پژوهشی جداگانه است که در اینجا به آن اشاره کوتاهی شد.

براساس نظریه «ولفرز» امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند. (ولفرز، ۱۹۶۲، ص ۱۵۰)

در دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغتنامه‌ای از یک سو معنای ایمنی در مقابل حمله، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد و اطمینان از عدم شکست و یا تسلیم و از سوی

دیگر به معنی عدم اضطراب و تشویش از خطر اشاره دارد، به عبارتی، وضعیت فیزیکی را با حالت فکری در هم می‌آمیزد، از آن حیث که بیشتر هنگامی به دست می‌آید که چیزهای بد اتفاق نمی‌افتد. (فریدمن، ۱۳۷۵، ص ۳۱۹)

در رابطه با امنیت اجتماعی براساس بررسی‌های انجام شده قدری خطاهای ادراکی صورت پذیرفته و در تعریف امنیت اجتماعی از آن به Social Security تعبیر شده است؛ در حالی که مفهوم آن عبارت است از تأمین اجتماعی که به معنای پیش بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم در دوران بیماری، بیکاری و سالمندی است و همچنین عبارت است از مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدها یا اقدام‌های خلاف قانون شخص، گروه یا دولت. (آقابخشی و همکاران، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵) در فرهنگ اکسفورد Social Security به شرح زیر تعریف شده است: پول مستمری که دولت‌ها برای فقرا، بیکاران و بیماران پرداخت می‌کنند (اکسفورد، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲۶) و آنچه می‌تواند معادل امنیت اجتماعی باشد، اصطلاح Societal Security است که به معنای امنیت اجتماعی است. در همین رابطه در معنای امنیت اجتماعی آمده است: «ارتباط و امتزاج امنیت با جامعه به گونه سازمان دهی شده یا امنیتی که شکل و ساخت اجتماعی یافته است.» (منبع پیشین، ص ۱۲۲۷)

امنیت اجتماعی دارای ابعاد سیاسی و حکومتی بوده و به شدت آمیخته با مقوله اساسی قدرت است و در مطالعات و بررسی‌های راهبردی در ذیل امنیت ملی^(۱) مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی^(۲) نیز قلمداد نمود که حوزه‌های امنیت فردی، امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. در میان نظریه پردازان امور امنیتی، «ویور»^(۳) امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود، در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت^(۴) جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتی اش را طلب می‌کند. (نوید نیا، ۱۳۸۲، ص ۶۱) «ویور» تمرکز اساسی و اصولی پدیده امنیت اجتماعی را بر هویت‌های مرکب جمعی در مقیاس بزرگ مانند هویت‌های دینی و مذهبی و هویت‌های قومی و طایفه‌ای قلمداد نموده که کار ویژه‌ای جدا از دولت دارند. او

1 - National Security

2 - Public security

3 - Waiver

4 - Identity

هویت را به مثابه مفهوم گویا و روشن امنیت اجتماعی تلقی می‌کند (امنیت اجتماعی = هویت) و اعتقاد دارد در شرایطی امنیت اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند که اجتماع احساس کند هویتش در معرض خطر جدی قرار گرفته است و هویت عبارت است از آنچه که موجب شناسایی شخص باشد؛ یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری گردد. هویت در خلأ مطرح نمی‌شود. هویت به معنای چه کسی بودن، از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشئت می‌گیرد؛ این احساس نیاز به تعلق، نیاز ذاتی است و اساسی است که در هر انسانی وجود دارد. (معین، ۱۳۸۰)

مهم‌ترین و اساسی‌ترین کار ویژه هویت، ایجاد وفاق، همبستگی، همانند سازی و همسازی^(۱) است که در تحقق این موضوع، دو متغیر مهم تأثیرگذار هستند ۱- تعریف ما از خود و ۲- تعریف از دیگران و غیر خود و اغیار. این دو هویت عبارتند از:

۱- هویت فردی: تعریف فرد از خویشتن خویش به عنوان یک شخصیت حقیقی؛

۲- هویت اجتماعی: تعریف بخش‌ها و گروه‌های جمعی که با ضمیر ما، خود را از دیگران متمایز می‌کند. (همشهری- هم محلی)

در رابطه با هویت اجتماعی طبقه بندی‌های مختلفی انجام پذیرفته است که در یک تقسیم بندی مهم، پنج دسته هویت معین شده است:

۱- هویت ملی - مذهبی: مانند ایرانی، آسیایی، مسلمان و یهودی؛

۲- هویت سیاسی: مانند فمینیست و طرفداران محیط زیست؛

۳- هویت نشان دار: مانند الکی، ایدزی، چاق و تپل؛

۴- هویت شغلی: مانند روان‌شناس، پزشک، مهندس، معلم؛

۵- هویت مبتنی بر روابط فردی: مانند جوان، پیر، کودک و نوجوان.

«هویت اجتماعی برچسب یا نشانه‌ای است که به تعدادی از افراد که بر مبنای تعدادی مشترکات گرد هم آمده‌اند، اطلاق می‌شود تا بتوان آن را شناسایی کرد.» (نویدینا، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

«باری بوزان» امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن، افراد خودشان را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی کرده و به بیان دیگر، امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص مربوط است که هویت گروهی او را تنظیم

می‌کند. (بوزان، ۲۰۰۲) باری بوزان معنای ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت قلمداد نموده و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویتی تلقی می‌کند. او میان جامعه و اجتماع تفاوت قائل است و معتقد است جامعه برای بیان گسترده‌تر و مبهم‌تر جمعیت دولت به کار برده می‌شود که بر پایه سرزمین و شهروندان رسمی استوار است؛ در حالی که اجتماع به گروهی که هویت، خودپنداری اجتماع‌ها و افرادی که خودشان را به عنوان اعضای اجتماع قلمداد می‌کنند، می‌داند؛ حال آن‌که به نظر وی، اجتماع شامل گروه‌هایی است که دارای هویت یکسان هستند. (برداشت آزاد از مقاله نوید نیا، ۱۳۸۲)

تونیس آلمانی با طرح مفاهیم گمانی‌شافت و گزل‌شافت به تبیین و بررسی مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته است. گمانی‌شافت نشان دهنده اجتماع و گزل‌شافت نشان دهنده جامعه است. گمانی‌شافت با پیوندهای نزدیک، صمیمانه، شخصی، علاقه به رفاه همدیگر، همکاری و اعتماد متقابل مشخص می‌شود. ویژگی چنین جمعیتی، کوچکی آن، بقای روابط سنتی در درون و سرنوشت مشترک اعضای آن است؛ ولی گزل‌شافت بر رقابت، نفع شخصی، کارایی، پیشرفت و تخصص استوار است. ویژگی چنین جمعیتی، بزرگی جامعه و بسط و رجحان روابط عقلانی است. «تونیس» از Community Security یاد می‌کند که در واقع مربوط به گمانی‌شافت و حفظ آنها از خطرها و آسیب‌ها است و این مشابه مفهومی است که «بوزان» تحت عنوان Societal Security مطرح کرده است.

با توجه به مطالبی که پیرامون امنیت اجتماعی ارائه شد، ملاحظه می‌شود که گستره و دامنه امنیت اجتماعی با توسعه و گسترش فن‌آوری‌های پیشرفته، توسعه یافته است و از صرف مقوله‌های بهداشتی، رفاهی و اقتصادی خارج شده و به مقوله‌هایی نظیر هویت، ساخت شخصیت، هستی و وجود فرد و اجتماع و جامعه گسترش یافته است. بنابراین، مطالعه و کالبدشکافی پدیده امنیت اجتماعی امروزه از ظرافت و پیچیدگی‌های خاص مفهومی و ادراکی برخوردار است و تأمین، تولید و پایداری آن نیز از اهمیت و پیچیدگی خاص خود برخوردار است.

ارزش‌ها و امنیت اجتماعی

کار ویژه‌های ارزش‌ها

وقتی از کار ویژه سخن می‌گوییم منظور از آن کارکرد، وظایف و تولیدات اصلی پدیده

است. کارکردها و کار ویژه‌های ارزش‌ها دارای ابعاد گسترده و بعضاً ظریفی است که در بررسی‌های پژوهشگران و محققان مورد امان نظر قرار گرفته است که به برخی از ابعاد آن اشاره می‌شود:

الف- ارزش منشاء هنجارها

هنجارها^(۱) الگوهای رفتاری مورد انتظار هستند و نشان دهنده رفتارهایی هستند که انتظار داریم مردم آنها را شیوهٔ اعمال خویش قرار دهند. (بیبی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵) هنجارهای مورد وثوق و اعتماد و عمل در سطح یک اجتماع ناشی از ارزش‌ها و نظام‌های ارزشی و اخلاقی مورد پذیرش جامعه است و رابطه‌ای که میان ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد، رابطه‌ای پایدار، متین و راسخ است. «ارل بی» معتقد است که هنجارها توسط ارزش‌ها توجیه شده و مشروعیت پیدا می‌کنند. (همان منبع، ص ۱۱۹) بنابراین، هنجارها و ارزش‌ها رابطهٔ متقابلی با همدیگر دارند.

ب- ارزش‌ها به مثابه سلول‌های حیاتی فرهنگ

فرهنگ در معنای گسترده آن معادل سبک و روش زندگی است و برخی دیگر فرهنگ را اندیشه‌ها و ارزش‌ها تلقی می‌نمایند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵۴) برخی هم فرهنگ را به عنوان منظومه‌ای نسبتاً منسجم مشتمل بر اجزایی غیر مادی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، دانش و اطلاعات رایج، هنرها و اجزای مادی شامل کالاهای مصرفی، ابزار، فن‌آوری و میراث‌های فرهنگی نسبتاً مشترک اجتماع تلقی می‌کنند. (پناهی، ۱۳۷۶، ص ۵۰) بنابراین، ارزش‌ها می‌تواند جزئی از فرهنگ تلقی شده و یا حتی به واسطه مطلوبیت ویژه آن، که مورد تقاضای اجزاء و ابعاد دیگر تشکیل فرهنگ نیز است، نقش محوری در تولید فرهنگ ایفا کند و در همین رابطه تحولات و تغییرات ارزش‌ها تأثیر جدی در تغییرات و تحولات فرهنگی ایفا می‌کند.

ج- ارزش به مثابه هسته‌های بنیادین هویت

با توجه به تعریف هویت که عبارت از این است که فرد یا اجتماع برای خود معنا و

مفهومی معین در هستی و عرضه هستی شناختی ارائه نماید که وحدت وجودی و شخصیت او را پوشش دهد تا در پرتو آن، فرد و یا اجتماع بتواند ادراک و تعریف ویژه‌ای از خود داشته باشد، در تعریف دیگری از هویت آمده است: «هویت عبارت است از خود را با فردی، حزبی و گروهی یکسان و همتا پنداشتن است.» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۱) و در معنای جامعه شناختی براساس دیدگاه کافمن^(۱) عبارت از کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. (منبع پیشین، ص ۳۸۲)

ارزش به عنوان سلول‌ها و هسته‌های مورد طلب و پذیرش فرد و اجتماع در تکوین نوع و چگونگی هویت فردی و اجتماعی نقش محوری را دارا می‌باشد؛ به عبارت دیگر، هویت فرد و اجتماع در گرو ارزش‌های مورد علاقه و مطلوب آنان است و زمانی بحران هویت^(۲) نمود پیدا می‌کند که من هویتی و مای هویتی دچار تردید و اضطراب قرار گرفته و دستخوش اختلال گردد.

د- ارزش‌ها و باورها^(۳)

باورها به مثابه یکی از اجزاء بنیادین فرهنگ، مسئولیت پاسخگویی به سؤال اساسی، چه هست‌ها و چه نیست‌ها در زندگی اجتماعی انسان را عهده دار هستند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵۷) در تعریف «باور» آمده است: مجموعه‌ای اساسی از اندیشه‌هایی پیرامون اینکه جهان از جمله جهان اجتماعی چیست‌ها و این باورها به صورت حقیقی تقریباً غیر قابل تردید پذیرفته شده است. (منبع پیشین، ص ۵۸) باورها و اعتقادات تولیدکننده ارزش‌های خاصی هستند و ارتباط تنگاتنگی میان ارزش‌ها و باورها برقرار است و این رابطه، رابطه‌ای متقابل و دوطرفه است، به طوری که ارزش‌ها خودشان بر مبنای باورها توجیه می‌شوند. (محبوبی منش، ۱۳۸۰، ص ۲۶) باورها و اعتقادات منشاء کنش‌ها و واکنش‌های متفاوت و رفتارهای کنشگران در سطح اجتماعی می‌باشد و به واسطه اینکه ارزش‌های مطلوب و نامطلوب جزء باورهای فردی، اجتماعی و گروهی در می‌آیند، بنابراین باورها و اعتقادات را نمی‌توان از ارزش‌ها منفک کرد.

ه) ارزش و نماد

ارزش‌ها نقش بسزایی در چگونگی و کیفیت کنش و رفتارهای انسان‌ها ایفا می‌کنند و در همین رابطه نقش نمادها که از عناصر اساسی تشکیل دهنده فرهنگ به شمار می‌روند، شایان توجه است. در تعریف نماد آمده است: «جایگزین شدن چیزی به جای چیز دیگر به نحوی که بر آن دلالت نماید.» (گی روشه، ۱۳۷۹، صص ۶۵-۶۴) نمادها در قالب رفتار و کنش‌های متقابل جلوه شفاف‌تری پیدا می‌کند و کنش‌های متقابل افراد به شکل نمادین آن، زمینه ساز اجتماع، وفاق، همسازي و تفاهم را می‌تواند فراهم کند. گی روشه برای نمادها دو کار ویژه مهم احصاء می‌کند: ۱- کارویژه ارتباط؛ ۲- کارویژه مشارکت؛ که اولی تشکیل دهنده اندیشه و زبان است و دومی برانگیزنده و حفظ‌کننده همبستگی اجتماعی، وفاق و نمادها، در واقع نمود عینی و قابل مشاهده ارزش‌ها می‌باشند. (منبع پیشین، صص ۸۲-۸۱)

و) امنیت اجتماعی به مثابه ارزش

اگر در رابطه با موقعیت و جایگاه امنیت اجتماعی دقت نماییم، براساس سلسله مراتب نیازهای مازلو، امنیت اجتماعی جزء نیازهای مربوط به ایمنی به شمار می‌رود و از بعد دیگر به لحاظ مطلوبیت امنیت اجتماعی و اینکه جزء نیازهای اساسی و بنیادین فرد و اجتماع به شمار می‌رود، خود می‌تواند به مثابه یک ارزش اساسی و مهم تلقی گردد؛ به این معنا که امنیت اجتماعی فی نفسه در منظومه ارزش‌ها قرار دارد و از این حیث حایز اهمیت است و از طرف دیگر، به لحاظ نقش تعیین کننده ارزش‌ها در شکل دیگری باورها، کنش‌ها، نمادها، فرهنگ، هویت فردی و اجتماعی و به ویژه در رابطه با هویت، می‌توان چنین استنتاج کرد که امنیت اجتماعی تا حدود زیادی بر شالوده ارزش‌ها و منظومه ارزشی مورد وثوق اجتماع بنا شده است و بحران و اختلال در هویت و تکوین بحران هویت، زمینه ساز بحران در امنیت اجتماعی و به مخاطره افتادن و زوال آن می‌گردد و «هویت اجتماعی، دستاوردهای عملی یعنی یک فرآیند است و هویت‌های اجتماعی و فردی را می‌توان با به کارگیری کنش متقابل دیالکتیکی درونی و برونی فهم کرد.» (جنگینز، ۱۳۸۱، ص ۲۹۴)

به تعبیر آنتونی گیدنز، امنیت اجتماعی، امنیت هستی شناختی و امنیت وجودی است و به مخاطره افتادن آن به مخاطره افتادن و آسیب پذیری امنیت وجودی و هستی شناختی است. (تاجیک، ۱۳۸۲) و ارزش‌ها به واسطه نقش و کار ویژه‌های تعیین کننده شان در تکوین هویت

وجودی و معنا و مفهوم یابی هستی انسان‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی و جامعه، سلول‌های تنفسی و حیاتی امنیت اجتماعی تلقی می‌شود. شاید ضرورت این نکته حائز اهمیت باشد که نقطه‌های آغازین تغییرات اجتماعی از تغییر در ارزش‌ها، باورها و اعتقادات شروع شده و رفته رفته در بخش‌های دیگری در قالب رفتارها و کنش‌ها ظهور و تجلی پیدا می‌کند و این موضوع بیش از پیش در رابطه با تعادل هویتی فرد و اجتماع حایز اهمیت است و تهدیدها، آسیب‌ها و اختلال‌های هویتی که اختلال در وجود و اختلال در هستی و کیان فرد و جامعه است، اختلال و آسیب در امنیت اجتماعی و امنیت هویتی را رقم می‌زند و از آنجایی که یکی از کارویژه‌های بنیادین امنیت اجتماعی، مراقبت از ارزش‌ها و به ویژه ارزش‌های بومی و هستی‌شناختی جامعه است، امنیت اجتماعی و ارزش‌ها در یک ارتباط عمیق با یکدیگر قرار داشته و این تأثیر گذاری و تأثیرپذیری متقابل میان امنیت اجتماعی و ارزش‌ها، زمینه ساز برقراری نوعی تعادل و تعامل کنشی در سطح جامعه می‌شود.

منابع:

- ۱- آقابخش، علی و همکاران. (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی - تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۲- بیبی، ارل. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی علمی، انتقادی - ترجمه محمد حسین پناهی - چاپ اول، دانشگاه تهران، انتشارات باز.
- ۳- پناهی، محمدحسین، دگرگونی فرهنگی و زمینه‌های نفوذ عناصر فرهنگی بیگانه به فرهنگ، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۶.
- ۴- تری یاندیس، هری خس. (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فنی، چاپ اول، انتشارات رسانش.
- ۵- جانسون، چالرز. (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر.
- ۶- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، شیراز.
- ۷- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ۸- دادبه، اصغر. (۱۳۷۲)، کلیات فلسفه، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۹- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- روح الامینی، محمود. (۱۳۷۲)، مبانی انسان‌شناسی، تهران، انتشارات عطار.

- ۱۱- روشه، کی. (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنگان زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ۱۲- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳)، روان‌شناسی پرورشی، چاپ ۱۱، تهران، انتشارات آگاه.
- ۱۳- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵)، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- ۱۴- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۳)، فلسفه، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- صانعی، پرویز. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، چاپ دوم، انتشارات جار.
- ۱۶- فریدمن، لورنس. (۱۳۷۵)، مقاله مفهوم امنیت، گزیده مقالات سیاسی-امنیتی، ج ۱، مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی.
- ۱۷- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۹)، مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- کوهن، پرسای، اس. (۱۳۸۱)، نظریه اجتماعی نوین، ترجمه یوسف نراقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۰)، سلسله مراتب ارزشی دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- نویدنیا، منیژه، مقاله درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، بهار ۱۳۸۲، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- واثقی، قاسم. (۱۳۸۱)، تدابیر و سیره عملی علی(ع) در تأمین امنیت اجتماعی - تهران، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- 22- oxford advanced learners Dictionary of current English, oxford university press, Edited by sally wehmire 2000.